

# حرکت در راه حق

سخن نشریه اویرنجی (۱۰)

از بدو پیدایش هستی در طبیعت، بویژه آغاز حیات بشری بر روی این کره خاکی، واژگان بسیاری بنا به اراده و خواست بشر ساخته شده‌اند و به یقین در آینده نیز چنین خواهد بود. در میان این واژگان، بسیاری همانند حالت وجودی آنها در عالم هستی، در تضاد و مخالف هم بوده‌اند. جهل و دانایی، عدل و ظلم، خیر و شر، حق و باطل، سرد و گرم، روشنایی و تاریکی و... نمونه بارز آنها می‌باشند.

انسان، این موجود دوپایی که خداوند رحمان او را اشرف مخلوقات قرار داد، با تکیه بر قدرت عقل و اندیشه، وجه تمایز و تضاد این واژگان را در حیات خویش کشف نمود و بر اساس آن، مکاتب و ادیان مختلفی بسته به شرایط زمانی و جغرافیایی بوجود آمد. پیامبران بسیاری برای هدایت و راهنمایی بشر، که در عین اشرف مخلوقات بودن می‌تواند دون‌ترین آنها نیز باشد، از سوی خداوند رحیم فرستاده شدند. با همه این هدایتها و ارشادها، با همه رشد و بالندگی اندیشه‌های بشری، باز شاهد حیات حق و باطل، عدل و ظلم، خیر و شر و روشنایی و تاریکی در کنار هم هستیم. چه بسا تا پایان این جهان مادی، این متضادها در کنار هم خواهند بود. البته به یقین، بنا به اعتقاد ما شیعیان با ظهور **حضرت مهدی (عج)**، حق بر باطل، خیر بر شر و روشنایی بر تاریکی پیروز خواهد شد و عدل واقعی بر جهان هستی گستره خواهد یافت.

گذر زمان، تکوین شکل و شمایل حیات بشری، ظهور حکومتها و دولتها، بوجود آمدن اندیشه‌ها و مکاتب فکری، فلسفی، اجتماعی و سیاسی، همه و همه مرزبندی شفاف بین حق و باطل، عدل و ظلم را از بین برد و واژگان اجتماعی و سیاسی جدیدی را پدید آورد. اگرچه واژگان قدیمی همچنان به حیات خود ادامه دادند. واژگان جدیدی که مکاتب فکری متعددی را برای توصیف، برقراری و نمایاندن آنها در ساختار زندگی بشر بوجود آورد. اگرچه در گذر زمان بسیاری از این مکاتب به شکست گرائیدند، ولی هیچ عقل سلیمی آنها را نمود عینی مطلق خیر یا شر و حق یا باطل ندانست.

واژگان سیاسی و اجتماعی جدید همچون دموکراسی، حقوق بشر، آزادهای مدنی، حق تعیین سرنوشت، حکومت مردمی و... به همراه سازمانهای مختلف کشوری و بین‌المللی همچون پارلمان، قوه قضائیه و دادگستری، ریاست جمهوری و نخست وزیری، سازمان حقوق بشر، سازمان عفو بین‌الملل، سازمان ملل متحد، سازمان پزشکان

بدون مرز، سازمان بین‌المللی یونسکو، یونسف، سازمان دفاع از خبرنگاران و روزنامه‌نگاران و . . . در کنار صدها شکل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کشوری و بین‌المللی، همه و همه بوجود آمدند تا بتوانند حق، عدل، خیر و سعادت را روی کره زمین برقرار سازند.

در کنار این همه سازمان و نهاد، هزاران و بلکه میلیون‌ها انسان در حال جنب و جوش هستند که بتوانند گمشده‌های تاریخی و آرزوهای دیرین خود را بیابند. اگرچه در کنار و بلکه در وجود این همه حرکت و جنب و جوش، شر، ظلم و تاریکی نیز همانند جزء لاینفک حیات بشری به حیات خود ادامه می‌دهد.

انسانهای بیشماری در گوشه و کنار دنیا به عنوان فعالان حرکت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در قالب مبارزات سیاسی، اجتماعی و گاهاً نظامی در تلاشند آنچه را که به عنوان حق و عدالت و یا در قالب واژگان جدید به نام دموکراسی، حقوق بشر، آزادیهای مدنی، حق تعیین سرنوشت و . . . می‌شناسند و به عنوان انسان مالک آن هستند، بدست آورند. انسانهایی که گاهاً از آنها به عنوان مبارزان راه حق، گاهاً به عنوان شورشیان، گاهاً به عنوان تروریست، گاهاً به عنوان برانداز، گاهاً به عنوان تجزیه‌طلب، گاهاً فعال سیاسی و گاهاً به عنوان روشنفکران نام برده می‌شود. اساساً در میان این واژه‌ها که خوردن مهر آنها بر هر انسانی می‌تواند به زندگی و حیات او پایان باشد، جایی برای این پرسش وجود ندارد که آنها چه می‌خواهند؟

آری فلسطینی مظلوم سنگ به دست با اسرائیل تا دندان مسلح می‌جنگد، کشته می‌شود و از طرف دیگر تروریست نامیده می‌شود. بی آنکه صفحات خونین تاریخ به سخن آیند که این فلسطینی چگونه مظلوم و آواره شد و حقیض ضایع گردید. آن مسلمان مظلوم چچنی که ملت مظلومش در طول سه قرن دهها بار از طرف روسها نسل‌کشی شده است، به خاطر مبارزه برای تعیین سرنوشت خود به عنوان "شورشیان چچنی" خوانده می‌شود و . . . همه متهم می‌کنند بدون آنکه بپرسند آیا مظلومی و حقی وجود دارد یا نه؟

کشور ما ایران به عنوان یکی از کهن‌ترین مناطق حیات بشری، از بدو پیدایش شاهد حضور اقوام و ملل مختلفی بوده است که بطور مسالمت‌آمیز سالها در کنار هم زیسته‌اند. بدون آنکه زنجیرهای نامرئی و مرئی آنها را به زور به هم پیوند دهد. ظهور حکومت منحوس شاهنشاهی پهلوی موجب پیدایش شوونیسم و پان‌فاریسیسم و نژادپرستی آریائی گردید. سیاست "ملت واحد - زبان واحد - کشور واحد" ضربات مهلکی را بر اقوام و ملل غیرفارس وارد آورد که اگر پیروزی انقلاب اسلامی نبود، به یقین شاهد یک تسویه شدید و در عین حال موذیانانه فرهنگی به نفع فرهنگ حاکم خاص

بودیم. البته با پیروزی انقلاب با آنکه از حجم گسترده این الیناسیون و تهاجم فرهنگی کم گردید، ولی هنوز هم که هنوز است، سیاست فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور بر اساس تقویت فرهنگ و زبان حاکم فارسی استوار است. از لحاظ اقتصادی هم، انباشت سرمایه گذاری در مناطق مرکزی و کویری چیزی نیست که بتوان آنها را انکار کرد.

بعد از پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوران سازندگی و تثبیت نظام، نخبگان و روشنفکران، دانشجویان و دانشگاهیان اقوام و ملل غیرفارس کشور حرکتی آرام، متین و قانونی را با تأکید بر اصول اساسی دین ما (یعنی عدالت) و قانون اساسی (یعنی اصول ۱۵، ۱۹ و ۴۸ قانون اساسی) آغاز کردند، که هدف اصلی آن برقراری عدل و قسط میان اقوام و ملل ساکن در ایران زمین بوده و است. ملت آذربایجان نیز به خاطر آنکه شدیدترین ضربات را از سیاست شؤونیستی حکومت پهلوی دیده بود، پیشروتر از اقوام و ملل دیگر وارد این حرکت گردید. حرکتی که اساس و ریشه آن برقراری حق و عدالت می باشد. متأسفانه با گذشت بیش از ۱۲ سال از آغاز این حرکت، شاهد حرکتی متمرکز از طرف حاکمیت و حکومت در جهت احقاق حق اقوام نبوده ایم.

هرگاه در این کشور سخن از حقوق اقوام و ملل به عمل آمده است، بحث تجزیه طلبی و امنیت ملی و . . . پیش کشیده شده است، بدون آنکه به تضييع حق توجه شود. سؤال اصلی اینجاست که اگر احقاق حقوق قومیتها مخالف امنیت ملی و باعث تجزیه کشور است، پس چرا در قانون اساسی گنجانده شده است؟ امروز زمان آن فرا رسیده است که حاکمیت نیز به عنوان نهادی که مشروعیت و قدرت خود را از مردم و تک تک این اقوام گرفته است، با دیدی باز و سعه صدر به مسائل قومی در کشور بپردازد و با فراخواندن نمایندگان و فعالان اقوام، لویح و طرحهای لازم را ارائه دهد. نه اینکه به بهانه های امنیتی و با عنوان کردن خطر واهی پان عربیسم، پان ترکیسم و تجزیه طلبی، عرصه را برای فعالیت نخبگان و فعالان قومیتها مخدوش نماید.

به هر حال، امید است که همگان با سعه صدر و تعامل بیشتر در راه اجرای قانون و برقراری حق و عدالت گام بردارند و گرنه هیچ کس را نمی توان از حرکت در راه حق برحذر داشت.